

فلسطین و وحدت امت اسلامی

نوشته: آید. محمد بدیع مرشد عام اخوان المسلمین

ترجمه: عبدالخالق احسان

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام على إمام الأنبياء وخاتم المرسلین، وعلى آله وصحبه والتابعین وتابعیهم بإحسان إلى يوم الدين، أما بعد...

قضیه فلسطین اهمیت ویژه ای دارد، این قضیه سلطه ی فلسطینی ها و عربها نیست؛ بلکه قضیه اساسی در زندگی هر مسلمان می باشد؛ چون در محور آن همه مسلمانان متحد می شوند، هر چند که باهم اختلاف داشته باشند؛ همه مسلمانان در راه واپس گیری فلسطین، مبارزه کرده و قربانی می دهند و نفس ها و دارای شان را درین راه فدا می نمایند و از هیچ کسی هراسی ندارند. {وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ} [المائدة: 54] از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای (در اطاعت از فرمان یزدان) هراسی به خود راه نمی دهند. این هم فضل خدا است (که کسی دارای چنین اوصافی باشد)؛ خداوند آن را به هرکس که بخواهد (به خیر و خوبی نائل شود) عطاء می کند. و خداوند دارای فضل فراوان و (انعام بی شمار است، و از مستحقان آن) آگاه است.

ای مسلمانان و ای جهانیان!

به صورت صریح و واضح از ما بشنوید: قضیه فلسطین نشانه های واضح و روشنی دارد که سازش، گفتگو و تنازل را نمی پذیرد. ما قضیه فلسطین را در روشنی قواعد ثابتی اعلان می کنیم که تغییر و تبدیل را قبول نمی کند؛ اینک قواعد:

اول:

فلسطین و قدس، سرزمین مقدس اسلامی و جزء از عقیده امت اسلامی است که کوتاهی در حق آن، کوتاهی در تمدن و عقیده امت اسلامی محسوب شده و این گناه بزرگی می باشد.

دوم:

قضیه فلسطین امانتی بر دوش هر مسلمان بوده و نصرت آن واجب، دفاع از آن فرض، کوتاهی در مورد آن جرمه در حق دین و لکه ی ننگی بر جبین انسانیت می باشد. و نصرت دشمنان و غاصبین آن از وحدتی که خداوند به آن دستور داده است، بیرون است. {إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ} [الأنبياء 92: این (پیغمبران بزرگی که بدانان اشاره شد، همگی) ملت یگانه ای بوده (و آئین واحد و برنامه یکتائی دارند) و من پروردگار همه شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید (چرا که ملت واحد، با برنامه واحد، باید روبه خدای واحد کند).

سوم:

تنازل از بخش کوچکی از فلسطین برای یهود یا گروه دیگری و حتی به رسمیت شناختن کدام حقی برای غیر مسلمانان در فلسطین؛ از صلاحیت هیچ شخص، جهت و دولتی نیست. جهاد برای بازگرداندن فلسطین فرض عینی بر ذمه همه مسلمانان (عرب و غیر عرب (می باشد)، از همه تقاضا می رود که مقدسات خود را حفظ کنند که پیشاپیش همه مقدسات: نخستین قبله مسلمانان، سومین حرم، مسری و معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم قرار داد. به این فرضیت جهاد، همه علماء مسلمین اتفاق دارند.

چهارم:

جهاد برای بازگرداندن فلسطین فرض عینی بر ذمه همه مسلمانان (عرب و غیر عرب) می باشد، از همه تقاضا می رود که مقدسات خود را حفظ کنند که پیشاپیش همه مقدسات: نخستین قبله مسلمانان، سومین حرم، مسری و معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم قرار داد. به این فرضیت جهاد، همه علماء مسلمین اتفاق دارند.

امام حسن البنا رحمه الله و نصیحت های سه گانه اش در خصوص فلسطین:
عده ی گمان می کنند، آن چه به سرزمین فلسطین جریان دارد، یک عمل عادی است. چنین نیست؛ بلکه اینها از توطئه های پنهان و خطرناکی که از چهار قرن به این طرف ادامه دارد و یهود جهانی آنها را به آغوش گرفته و مانند مستکبرین برای تحقق اهداف آن، دوامدار فعالیت می کند و از هیچ وقت، تلاش، مال، حمایت و نیرنگی فروگذار نیست؛ بی خبرند. امام شهید حسن البنا رحمه الله تحت عنوان «خواب سه قرن در یک لحظه آشکار شد» گوشه از تاریخ این یک مشت صهیونیستی را به تصویر کشیده و نصیحت های سه گانه اش را به تعقیب آن ذکر کرده تا که جهانیان بشنوند و از حقایق اطلاع یابند. اینک نصایح امام شهید:

نصیحت اول:

به صهیونیست ها به هر جای که هستند، می گویم که دست بردارید و این هوس سیاسی را ترک کنید و و این خواب خیالی که به شما و برادران یهودی شما در هر جا، ضرر رسانده؛ به دست فراموشی بسپارید؛ چون این وضعیت ذلت و ننگون بختی ابدی شما را به دنبال دارد. چون به خیر یهود است که به حیث شهروند و به سلامتی در کشورهای که به آن منسوب هستند، زندگی کنند؛ نه اینکه دولتی تشکیل دهند که خود شان در اقلیت بوده و بیگانه های دیگر سرزمین ها در اکثریت باشند.

نصیحت دوم:

خطاب به امریکا و روسیه و دیگرانی که بازی های سیاسی را در دست دارند، می گویم: از به رسمیت شناختن دولتی که دیگر وجود نخواهد داشت، بپرهیزند. به سازمان ملل متحد و شورای امنیت می گویم: ازین پلان سیاسی که بر مبنای دید تنگ نظرانه و محدود و وابسته به اهداف و خواهشات ناشایست، ایجاد شده، صرف نظر کنند. و قضایا را بر مبنای تصور حقیقی شان در نظر بگیرند. این منطق سلیم را به زودی خواهند دید که از مبارزه با امت اسلامی و عربی روگردان شوند؛ چون همه ملت های اسلامی و عربی دارای تاریخ، گذشته درخشان، کرامت و نیرومندی اند که محال است از سرزمین و وطن شان به خاطر جلب توجه دولتی و یا جریان دیگری صرف نظر کنند؛ چونکه حمایت از سرزمین فرض می باشد. از جامعه جهانی می خواهم، این یهودی ها را نصیحت کنند که بروند به سرزمین های خود به حیث شهروند، راحت زندگی نمایند و یا این که سرزمین بی صاحب و وسیعی را جستجو نموده و آنجا زندگی خویش را به سر ببرند.

نصیحت سوم:

سخن متوجه حکومت های عربی و اسلامی و ملت های عربی و اسلامی می باشد که حالا راه حق را شناختید؛ پس به آن التزام داشته و از خداوند کمک بخواهید و شکیبای را پیشه کنید. {إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ} [الأعراف: 128] بیگمان خدا زمین را به کسانی از بندگان خود واگذار می کند که خود بخواهد، و سرانجام (نیک و پسندیده در گیر و دار جهان) از آن پرهیزگاران است (آن کسانی که مراعات سنن و اسباب می دارند. از قبیل اتحاد و اتفاق و اعتصام به حق و اقامت عدل و صبر در برابر شدائد).

ای مسلمانان و ای جهانیان! از تاریخ عبرت بگیرید!!

ما از تاریخ نزدیک می دانیم که: فرانسه، الجزائر و سوریه و لبنان را اشغال کرده و می خواست مصر را نیز تحت اشغال خود در آورد. و انگلستان، مصر و سودان و فلسطین و عراق و لیبیا را اشغال کرده بود و فرانسه ادعا داشت که الجزائر یک ولایتی از فرانسه است. تلاش کردند که شعایر اسلامی را با تخریب مساجد و دوری از

زبان عربی نابود سازند و زبان رسمی الجزائر را زبان فرانسوی قرار دادند و ایتالیا همین کار را در لیبیا عملی کرد.

سر انجام همه آنها چه شد؟

آیا به این سرزمین ها استقرار یافتند؟ یا این سرزمین از آنها گرفته شد و زیانمند، به عقب گریختند. راست گفت الله متعال: “أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا 10 ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ” (محمد: 10 – 11). آیا در زمین به گشت و گذار نپرداخته اند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از ایشان بوده اند به کجا کشیده و چه شده است؟ خداوند آنان را نابود ساخته است (و دمار از روزگارشان را بدر آورده است)، و برای کافران امثال این عواقب و مجازاتها خواهد بود. این (عاقبت نیک مؤمنان و عاقبت سوء کافران) بدان خاطر است که خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است، ولیکن کافران هیچ گونه سرپرست و یآوری ندارند.

ای جهانیان!

من برای شما نصیحت کننده امانتداری هستم، از روزی که دولت غاصب صهیونیستی ایجاد شده، در منطقه خون جریان دارد. تا وقتی که این غاصبین به سرزمین فلسطین باقی بمانند، این خونریزی ادامه دارد. بدانید که امت عربی و اسلامی هیچ پیمانی را به رسمیت نمی شناسد مگر این که فلسطین بازگردانیده شود؛ هر چند خون های ریخته شود و اموالی تباه گردد.

ای صهیونیست ها!

قوت شما که سرابی بیش نیست، فریب تان ندهد. گمان نکنید که با ترور یک رهبر، امنیت شما متحقق می گردد و یا به قلب های مجاهدین نا امیدی ایجاد می شود؛ بلکه هر گاه یک قهرمان شهید شود به بالاترین آرزوهایش می رسد و هزار رهبر و قهرمان دیگر جایش را پر می کنند؛ چون خون شهیدان درخت جهاد را آبیاری می کنند که در نتیجه: شاخه ها، برگها، و میوه های عزت، کرامت، آزادگی، واپس گیری سرزمین، حمایت آبرو و بازگشت مقدسات؛ بالنده می شوند. “وَلْتَعْلَمَنَّ نِبَاهُ بَعْدَ حِينٍ” (ص: 88). و خبر آن را بعد از مدتی زمانی خواهید دانست (و به زودی صدق و عد و وعید و راستی اخبار و گفتار قرآن را هم در این جهان و هم در آن جهان خواهید دید). بر مسلمانان واجب است که برای واپس گیری فلسطین با بکار گیری تمام وسایل ممکن، کار کنند که در مقدمه این وسایل قوت و نیرومندی قرار دارد. الله متعال می فرماید: وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ” (الأنفال: 60) برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسبهای ورزیده آماده سازید، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

اسلوب واپس گیری فلسطین:

بر مسلمانان واجب است که برای واپس گیری فلسطین با بکار گیری تمام وسایل ممکن، کار کنند که در مقدمه این وسایل قوت و نیرومندی قرار دارد. الله متعال می فرماید: وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ” (الأنفال: 60) برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسبهای ورزیده آماده سازید، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: “المؤمن القوي خير من المؤمن الضعيف” مؤمن قوی و نیرومند از مؤمن ضعیف بهتر است. چون قوت شعار اسلام است، حتی در دعا؛ رسول خدا صلی الله علیه وسلم چنین دعا می کردند: “اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ” پروردگار! از مشکلات و اندوه به تو پناه می برم، از ناتوانی و تنبلی به تو پناه می برم، از ترس و بخل به تو پناه می برم و از غلبه قرضداران و قهر مردم به تو پناه می برم.

می بینیم که رسول الله درین دعا از تمام مظاهر ضعف و سستی به خداوند پناه می برند.

—ضعف اراده : غم و اندوه

—ضعف رسیدن به نتیجه: ناتوانی و کسالت

—ضعف مالی: ترسوی و بخالت

—ضعف عزت و کرامت : قرض و قهر مردم

ایمان اولین درجه قوت و نیرومندی:

امام بنا رحمه الله می گوید: «ما می دانیم که اولین درجه از درجات قوت، قوت عقیده و ایمان است و به تعقیب آن قوت وحدت و ارتباط بوده و سپس قوت بازو و سلاح می باشد. درست نیست که جماعتی را به قوت توصیف کنیم مگر این که این معانی در آن کامل شده باشد؛ چون اگر قوت بازو و سلاح استخدام شود، در حالی که پیوند ها قطع شده و نظام مضطرب بوده و عقیده ضعیف و ایمان خاموش باشد؛ سر انجام این جماعت هلاکت و نابودی است.» برای این که نصرت خداوند فرارسد، باید شرایط نصرت که در آیه قرآنی تمثیل یافته؛ تحقق یابد. خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: 7). ای مؤمنان! اگر (دین) خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می کند (و بر دشمنانتان پیروز می گرداند) و گامهایتان را استوار می دارد (و کار و بارتان را استوار می بخشد).

هم چنان ایمان ضروری است تا که نیروهای سرگردان و هدر رفته را جمع نموده و از آنها بهره گیرد و توانمندی های روحی را رشد داده و مشکلات بین مسلمانان را حل و اختلافات را نابود کرده و اهداف و پیام شان را توحید نماید.

امام بناء می گوید: «خیلی ها گمان می کنند که شرق اسلامی نیازمند نیروی مادی از مال و تجهیزات و وسایل جنگی است تا قیام کند و به امت های که حقش را گرفته و اهتش را لگد مال کرده است؛ پیکار نمایند؛ این موضوع صحیح و مهم است. اما مهمتر و لازم تر، قوت روحی است که این گونه تمثیل یابد: اخلاق نیکو، نفس شجاع، اراده پیشرونده، قربانی در راه هدف، وفای به اساس اعتماد و وحدت. اگر شرق اسلامی به حق ایمان داشته و خود را تغییر دهند و به قوت روحی و اساسات اخلاقی توجه کنند، وسایل قوت مادی از هر طرف به سوی شان سرازیر می گردد؛ این موضوع به صفحات تاریخ به صورت یقین ثبت می باشد».

این اعتقاد کامل و تام اخوان المسلمین است، همیشه بر این اساس به پاکی روح ها، تقویت نفس ها و نیرومندی اخلاقیات تلاش می ورزند. لذا به جهاد دعوت پرداخته و مردم به اصول شان فرا می خوانند و از امت می خواهند که نفس های شان را اصلاح نموده و اخلاق شان را استوار کنند.

این بدعتی نیست که اخوان المسلمین ایجاد کرده باشند؛ بلکه از اقیانوس بیکران، دریای خروشان، دستور استوار و بالاترین مرجع که کتاب الله متعال است، گرفته اند. الله متعال می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (لرعد: 11). خداوند حال و وضع هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد (و ایشان را از بدبختی به خوشبختی، از نادانی به دانایی، از ذلت به عزت، از نوکری به سروری، و . . . و بالعکس نمی کشاند) مگر این که آنان احوال خود را تغییر دهند.

قوت ارتباط و وحدت:

ایمان، تمام مسلمانان را در یک خانواده قرار می دهد و از تابعیت های متعدد، رنگ های مختلف، طبقات متفاوت و سرزمین های دور؛ جسم واحد، بنای محکم و امت یکپارچه می سازد تا برای نجات پایین ترین خود تلاش کنند و آنان باهم یکدست می باشند.

این اتحاد و وحدت، از بزرگترین قوت ها در مقابله با دشمنان است؛ از همین رهگذر، سر حرص دشمنان برای تفرقه ما و شعله ور ساختن خصومت در بین ما، درک می گردد و شعار عملی دشمن در سرزمین های ما «تفرقه بینداز و حکومت کن» است. بدین سبب بر مسلمانان لازم است به قرآن چنگ بزنند. خداوند می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل

عمران: 103). و همگی به رشته (ناگسستنی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدان گاه که (برای همدیگر) دشمنانی بودید و خدا میان دلهایتان (انس و الفت برقرار و آنها را به هم) پیوند داد، پس (در پرتو نعمت او برای هم) برادرانی شدید. آهای مسلمانان! بیاپید تا متحد شویم و سرزمین های خود را از چنگال استعمارگر غاصب بیرون کنیم و مقدسات و سرزمین از دست رفته را دوباره به دست آوریم و جایگاه مناسب خود را که بهترین امت ها است؛ نصیب شویم.

ایمان در حالی که به وحدت و ارتباط فرا می خواند، از تفرقه و جدایی بیم میدهد. الله متعال می فرماید: “وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَنفَشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ” (الأنفال: 46). و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید و (در میان خود اختلاف و) کشمکش مکنید، (که اگر کشمکش کنید) در مانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود (و ترس و هراسی از شما نمی شود). (شکیبایی کنید که خدا با شکیباییان است . در مرتبه اخیر، نوبت به قوت بازو و سلاح می رسد؛ امام بنا می گوید: «درست نیست که جماعتی را به قوت توصیف می کنیم مگر این معانی در آن کامل شده باشد؛ چون اگر قوت بازو و سلاح استخدام شود، در حالی که پیوند ها قطع شده و نظام مضطرب بوده و عقیده ضعیف و ایمان خاموش باشد؛ سر انجام این جماعت هلاکت و نابودی است».

قوت بازو و سلاح:

در مرتبه اخیر، نوبت به قوت بازو و سلاح می رسد؛ امام بنا می گوید: «درست نیست که جماعتی را به قوت توصیف می کنیم مگر این معانی در آن کامل شده باشد؛ چون اگر قوت بازو و سلاح استخدام شود، در حالی که پیوند ها قطع شده و نظام مضطرب بوده و عقیده ضعیف و ایمان خاموش باشد؛ سر انجام این جماعت هلاکت و نابودی است».

اسلام به آمادگی و رسیدن به این قوت تشویق می کند؛ اما نه به خاطر تجاوز بلکه برای زجر و انکار. “وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ” (الأنفال: 60) برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسبهای ورزیده آماده سازید ، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

آنگاه که قوت ایجاد گردد، صلح و آرامش به وجود می آید؛ حکیمی چه زیبایی فرموده: « قوت، راه احقاق حق را تضمین می کند و چقدر زیباست که قوت و حق دوشادوش هم حرکت کنند»

ای مسلمانان! دین خود را خالص برای خداوند قرار دهید، پیوند خویش را با الله استوار نمایید. و از ایمان و صداقت خود، از خزانة های الله که تمام نمی شود، قوت خداوندی که مقهور نمی گردد و لشکر او که شکست نمی خورد؛ استمداد کنید. “وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ” (الصفافات: 173) و لشکر ما حتماً پیروز می شوند. “إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ” (غافر: 51). ما قطعاً پیغمبران خود را و مؤمنان را در زندگی دنیا و در آن روزی که گواهان بپا می خیزند یاری می دهیم و دستگیری می کنیم.

ای مسلمانان در هرجا که هستی:

حامی و پشتیبان برادران خود در فلسطین باشید و به آن چه نیاز دارند به آنان کمک برسانید و ایشان را در تمام محافل بین المللی نصرت دهید. بر حذر باشید از این که به این بازی بزرگ نیرنگ دچار گردید که آن را به نام توافقات صلح یاد می کنند، ده سال فریب ایشان باید شما را بسنده باشد که تا حالا به وجود فلسطین اعتراف نکرده اند و هرگز اعتراف نمی کنند؛ چون منطق دشمن زور گویی و به قوت خویش بالیدن است.

اما شما ای قهرمانان فلسطین! این لشکر خداوندی در مرزهای شام! به ثبات و پایداری و صبر و شکیبایی ادامه دهید؛ چون نصرت الهی نزدیک است و گشایش خداوند آمدنی می باشد. (وَيَوْمَئِذٍ يُفَرِّخُ الْمُؤْمِنُونَ * يَنْصُرُ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ) (الروم: 4 – 5). در آن روز (که رومیان پیروز می گردند) مؤمنان شادمان

مي شونډ . (آري ! خوشحال مي شونډ) از ياري خدا . خدا هر کسي را که بخواهد ياري مي دهد ، و او بس چيره
(بر دشمنان خود) و بسيار مهربان (در حق دوستان خویش) است.

م
فَجَاءَ